

آموزش فا در کنفرانس فای بین‌المللی ۲۰۰۴ در نیویورک

لی هنگ‌جی، ۲۱ نوامبر، ۲۰۰۴

شما به‌سختی کار کرده‌اید. (دست می‌زنند)

به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، به‌ویژه به‌عنوان یک مرید دوره‌ی اصلاح-فا، مسئولیت عظیمی را بدوش می‌کشید، و مأموریت مهمی دارید که تاریخ به‌عهده‌ی شما گذاشته است. اما شما بی‌نظیر انجام داده‌اید، و من، استاد شما، می‌توانم این‌را در برابر همه‌ی موجودات کیهان اعلان کنم. به‌عبارت دیگر، شما ستایش و تحسین آن‌ها را کسب کرده‌اید. اگرچه کارهایی را که شما در این جهان انجام می‌دهید، مقداری شبیه کارهای روزمره‌ی افراد عادی به‌نظر می‌رسد، حقیقت این است که بنیان مریدان دافا و اهداف آن‌چه شما انجام می‌دهید، کاملاً متفاوت هستند. زیرا جهان بشری کاملاً در وهم و خیال است، با گیرافتادن در آن‌چه که برای آن‌ها واقعی و ملموس می‌باشد، برای مردم مشکل است که حقیقت را از دروغ تشخیص دهند. بنابراین بدون درنظر گرفتن اینکه مردم عادی می‌فهمند یا نه، مریدان دافا صرفاً از شکل‌های مردم عادی استفاده می‌کنند تا همه‌ی موجودات را نجات دهند. و اما شما تزکیه‌کنندگان، دقیقاً به‌خاطر تصور باطلی که اینجا در این دنیای بشری است، بودن در این محیط اجازه می‌دهد که شما تزکیه کنید، و کسانی که در تزکیه موفق می‌شوند برجسته هستند.

اکثریت شاگردان در کل، اعتباربخشی به فا را خیلی خوب انجام داده‌اند. البته برخی هستند که خوب عمل نکرده‌اند، اما آن‌ها اینجا مخصوصاً آمدند تا اعمال بدی انجام دهند، نیروهای کهن از آغاز این برنامه‌ریزی کردند که آن‌ها چنین کارهایی را انجام دهند. بنابراین اهمیتی ندارد که آن‌ها در طی اوقات معمولی پیرامون مریدان دافا چگونه فعالیت می‌کنند، تنها در لحظات بحرانی و حساس جنبه‌ی حقیقی آن‌ها را می‌بینید. اهمیتی ندارد که آن‌ها چقدر درباره‌ی چیزها بخوبی صحبت می‌کنند یا در برابر همه چگونه بخوبی عمل می‌کنند، فقط در لحظات بحرانی است که بطور واقعی خود را نشان می‌دهند.

شما از میان لحظات توان‌فرسایی که پر از آزمایشات و سختی‌ها بود بیرون آمده‌اید. با نگاه به موقعیت کنونی، به هیچ وجه همانند آن‌چه که قبلاً بود نیست. وقتی آزار و شکنجه بعد از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ آغاز شد، شدت خشم و غضب اهریمن بسیار شدید بود، و شیوه‌ای که نیروهای اهریمنی را سازمان‌دهی می‌کردند به نظر می‌رسید که گویی درحال قرار دادن مریدان دافا در خطرات و خیمی بودند. اما اکنون شما دیده‌اید، نه، که تاریخ برای آن موجودات اهریمنی خلق نشد، بلکه برای استحکام بخشیدن مریدان دافا و برای نجات موجودات ذی‌شعور در طی دوره‌ی پایانی خلق شد. (تشویق) با آغاز از دوران‌های گذشته، نوع بشر از میان تمدن‌های بسیار زیادی در دوره‌های مختلف گذر کرد. موجودات انسانی با چیزهای بسیار زیادی از همه‌ی انواع فرهنگ‌های تاریخی از دوره‌های باستانی گرفته تا امروز، عجین شده‌اند. همان‌طور که مردم عادی آن‌را می‌بینند، هر چیزی که در ارتباط با تاریخ و فرهنگ‌های اخیر موجودات انسانی روی داده است، و هر چیزی که در دوره‌های پیشین در مورد موجودات روی زمین روی داده است، تاریخ و روند ازدیاد حیات را می‌سازد. همان‌طور که دانشمندان آن را می‌بینند، این روند تکامل حیات است. خوب، حقیقت این است که، این‌طور نیست. سراسر سه قلمرو، شامل تمامی موجودات در اجتماع بشری، ساخته شدند، شکل

گرفتند، ظاهر شدند، متولد شدند، و به وجود آمدند تا این که موجودات ذی‌شعور بتوانند در حین اصلاح-فا در زمان آخر کیهان رهایی و نجات یابند. به عبارت دیگر، سه‌قلمرو به این منظور، به منظور نجات موجودات در کیهان ساخته شد.

در طی اعصار حتی دورتر گذشته، در این بُعد، جایی که نوع انسان است، در این محیط، جایی که نوع بشر است، و در این سطح مادی که از مولکول‌ها تشکیل می‌شود، نوع انسان وجود نداشت. مردم امروزی از طریق اکتشافات دریافته‌اند که حیات خارج از محیط زمین وجود دارد. بله، در گذشته چنین موجوداتی بودند که در سراسر این سطح تشکیل شده از مولکول‌ها پخش بودند، و انسان حتی وجود نداشت. چرا خدایان بعداً انسان را خلق کردند؟ زیرا قرار بود کیهان نوسازی شود، موجودات ذی‌شعور می‌بایست نجات می‌یافتند و سه‌قلمرو چنین محیطی را لازم داشت - محیطی که نقطه‌ی مرکزی دوباره‌ساخته‌شدن کیهان شود، و محیطی که وقتی قانون بزرگ بخواهد در این محیط ویژه آموزش داده شود، موجودات در همه‌ی قلمروها بتوانند فا را بشنوند. بخاطر هدف مهم نجات تمامی موجودات کیهان بود که سه‌قلمرو، و به‌ویژه نوع انسان در سه‌قلمرو خلق شد. بنابراین هر چیزی که در هر یک از دوره‌های تاریخ اتفاق افتاده است، شامل تاریخ اخیر بشر، به منظور خلق یک فرهنگ برای انسان، برای نوع انسان امروزی بوده است، تا امکان درک فا را داشته باشد. به هیچ وجه برای این در نظر گرفته نشده بود که نوع انسان زندگی کند، و حتی کمتر برای این که، نوع انسان پیشرفت کند یا نوعی زندگی خوبی را در اجتماع انسانی برای خودش بسازد. انسان ممکن است آرزوی چیزهای خوبی را داشته باشد و شاید به‌خاطر آن‌ها فعالیت کند، اما پیدایش سه‌قلمرو و نوع انسان ابدأً بدان منظور نبود.

اگر این‌طور باشد، درباره‌ی آن بیندیشید: آن چیزهایی که در طول مسیر تاریخ اتفاق افتاد، حتی حوادث واقعاً بزرگ، آیا علتی در نهان نداشتند؟ آیا آن‌ها بنیانی‌خاص را برای نوع انسان امروزی قرار ندادند؟ فرض کنید ساکيامونی، مسیح، مریم مقدس، لائودی و غیره هرگز وجود نداشتند، پس آیا مردم می‌دانستند که ایمان راستین چیست؟ یک خدا چیست، یک بودا چیست، یک دائو چیست، چگونه فرد خودش را تزکیه کند و منظور از تزکیه چیست؟ و بهشت آسمانی برای آن‌ها چه معنایی دارد؟ اگر مردم هیچ عقیده‌ای نداشتند که آن چیزها چه بودند، پس برای من فوق‌العاده مشکل می‌بود که امروز قانون بزرگ را آموزش دهم. اگر مجبور می‌بودم آن مفاهیم را از ابتدا برای مردم تشریح کنم، پس آن آموزش قانون بزرگ نمی‌بود. وضعیت‌های مختلفی که موجودات هر گروه نژادی مختلف در هر دوره از تاریخ از میان آن گذشته‌اند و جهان‌بینی‌شان در ارتباط با تشخیص درستی از شرارت، راست از نادرست و خوب از اهریمن، همه‌ی این چیزها از روی قصد توسط خدایان در طول سال‌های طولانی و به‌درازا کشیده شده، برای انسان‌ها خلق شد، تا مردم را قادر سازد درکی پایه‌ای از آن‌چه درست و اشتباه، خوبی و اهریمن است، داشته باشند. سپس هنگامی که دافا اشاعه یابد و نجات موجودات ذی‌شعور آغاز شود، مردم تمام این چیزها را بفهمند و قادر باشند بگویند که آیا این فا خوب است و آیا آن درست است.

در طول روند تاریخ مردم آمده‌اند تا خدایان را بشناسند. یک "خدا" چیست؟ اگر چه آن فقط یک درک سطحی می‌باشد، اما مردم [واقعاً] می‌دانند که خدایان باشکوه و مقدس هستند. و اگر چه موجودات مختلف "خدایان" را به طرق متفاوتی می‌شناسند و تصور می‌کنند، همگی آن‌ها معتقدند که خدایان نسبت به مردم شفقت دارند و می‌توانند آنان را نجات دهند. تمام چهره‌های حماسی که در سلسله‌ها و دوره‌های متفاوت

تاریخ چین پدیدار شدند، تمام آن چهره‌های فرهنگی برجسته که تاریخ را ساختند، همه‌ی آن‌ها در حقیقت درحال بنیان گذاشتن شیوه‌هایی برای بشر که فکر کند بودند، بنیان گذاشتن ساختار و شیوه‌های تفکری که مردم امروزی را توصیف می‌کند بودند. آن تعهدی باشکوه بوده است که در آن، ترکیب تفکر گونه‌ی انسان خلق شد. آن در طول دوره‌ها و دوره‌ها اتفاق افتاد، جایی که نژاد انسان مجبور شد قبل از اینکه بتواند معنی چیزها و فرهنگ‌های مختلف را درک کند، آن‌ها را مستقیماً تجربه کند. بنابراین این دلیل آن است که چرا وقتی چیزی روی می‌دهد یک فرد می‌تواند معنی آن را درک کند و از طریق آن رویداد، می‌تواند آن‌چه را که آن در سطحی عمیق‌تر نمایان می‌کند بفهمد. به عنوان مثال "خوب" چیست، خوبی چه چیزی را دربر دارد، معنی ضمنی آن چیست و گستره‌ی این اصطلاح چه می‌باشد؟ یا همین‌طور، "هریمن" شبیه چیست و برای چیزی، "درست" یا "نادرست" بودن چه معنایی دارد؟ مردم از طریق تجربیات عملی‌شان آمدند تا همه‌ی این چیزها را درک کنند و توانستند به طور حقیقی معانی آن‌ها را بفهمند. فقط پس از آن مردم توانستند درکی عمیق از این همه داشته باشند. این‌ها چیزهای پایه‌ای ساده‌ای نیستند که بتوانید کاری کنید که مردم یک‌شبه درک کنند.

وقتی خدایان در ابتدا موجودات انسانی را خلق کردند، هیچ چیزی در ذهن مردم نبود، یک لوح کاملاً سفید بود، آن‌ها نمی‌توانستند هیچ تمایزی بین درست و نادرست قائل شوند و خیر و شر در کنار هم وجود داشتند. [در رفتارشان] افراط و تفریط عظیم بود؛ وقتی خوشحال بودند، مهربان بودند، و وقتی ناراحت بودند، وحشی و خشن بودند. اما انسان امروزی داستان متفاوتی است. چرا این‌طور است که وقتی مردم امروزی وارد دوره‌ای نوین شدند ناگهان بسیار خردمندتر شدند؟ آن به عاملی به غیر از روند خلقت افراد که من الان درباره‌اش صحبت کردم ارتباط داشت، و این‌طور است که موجودات سطح بالا به شکل موجودات انسانی بازپیدا شده‌اند. در ارتباط با خود نژاد بشری، روند آن در طول مسیر تاریخ، در واقع روندی از بنیاد نهادن رفتار و تفکر بشری بود یا به عبارتی دیگر، روندی از خلق کردن انسان‌های واقعی امروز بود. پس اصل مطلب همه‌ی این چیزها چه بود؟ بری اینکه وقتی دافا به طور گسترده‌ای امروز اشاعه می‌یابد، درک فا را برای انسان امکان‌پذیر کند. آن‌چه که درحال گفتن آن هستیم این است که، این موضوع زمان‌ها و دوره‌ها پیش برنامه‌ریزی شد؛ شکل‌گیری آن، پیش‌ترها آغاز شد.

و چیز دیگری هست که می‌خواهم درباره‌ی آن به شما بگویم، که چه کسی واقعاً تزکیه می‌کند و چه کسی واقعاً ایمان درست دارد. در گذشته، بسیاری از مردم درباره‌ی این یا آن طریق تزکیه، درباره‌ی چنین و چنان تمرین، چنین و چنان عقیده و ایمان صحبت می‌کردند. اما می‌خواهم به شما بگویم که در تاریخ، بدون توجه به این که چه تعداد خدا یا موجودات روشن‌بین به این‌جا آمدند، مأموریت اصلی آن‌ها این بود که فرهنگ تزکیه و ایمان درستی را که دافا لازم داشت بنیان گذاشته شود پایه‌گذاری کنند. (تشیویق) هیچ‌کسی مردم را نجات نداد و هیچ‌کسی آن‌را [نجات مردم را، تا بردن آن‌ها] به قلمروی آسمانی انجام نداد، به‌خاطر این که، روش‌های تزکیه‌ی کهن به این منظور پدیدار شدند که بنیانی برای این دافا که می‌تواند به‌طور حقیقی امروز مردم را نجات دهد بگذارد. در ارتباط با خدایانی که در گذشته پایین آمدند، در واقع افرادی بودند که در نتیجه‌ی اعمال آن خدایان، به نجات نایل شدند. اما خود واقعی فرد نبود که نجات پیدا کرد، بلکه روح کمکی فرد بود. و حتی آن خدایانی که پایین آمدند، بدنی که در آن ایام در آن سکنی گزیدند... یک موجود انسانی، هنوز قسمتی از چرخه‌ی تولد دوباره در دنیای انسانی است، و حتی

آن‌هایی که در آن جسم‌ها سکنی گزیده بودند نجات نیافتند. بنابراین به عبارتی دیگر، در تاریخ بسیاری از افراد اعلام کردند که درحال "نجات مردم" بودند، اما هیچ کسی مردم را نجات نداد. هنگامی که ساکیامونی فای خود را سال‌ها پیش معرفی کرد، مریدانش از او پرسیدند، "استاد، آیا برای ما امکان دارد که به سطح یک تاتاگاتا تزکیه کنیم بدون اینکه پیوندهایمان را با جهان مادی درهم شکنیم؟" یا به عبارت دیگر، آیا آن‌ها می‌توانستند تا [سطح] خدایان یا بوداها تزکیه کنند بدون این‌که موقعیت مردم عادی و محیط اجتماعی این جهان را ترک کنند؟ ساکیامونی درباره‌ی آن فکر کرد و گفت، "برای آن، شما باید منتظر بمانید تا آن پادشاه مقدسی که چرخ را می‌چرخاند به این دنیا فرود بیاید". (تشیویق) بیشتر از دوهزار سال گذشته است، و همه‌ی مریدان مذاهب حقیقی منتظر بوده‌اند. به انتظار چه؟ به انتظار خدایان بالا تا نمایش باشکوه اجرا کنند؟ به انتظار خدایان که به این‌جا بیایند، به‌طوری که شما نیازی نداشته باشید تزکیه کنید یا به خوب تزکیه کردن اهمیتی ندهید، و اهمیتی نداشته باشد که فردی خوب است یا بد، و همگی با هم به آسمان بروند؟

البته بدون توجه به این‌که من چه کسی هستم، مردم می‌دانند که من درحال منتقل کردن فا و نجات مردم هستم. اما استادی که امروز این‌جا با شما است و فا را آموزش می‌دهد یک بدن فیزیکی فردی معمولی دارد. درخصوص این‌که مردم در مورد من چگونه فکر می‌کنند، بسیاری از افراد عادی نظرات خودشان را دارند. این خوب است - مهم نیست که آن‌ها به من باور دارند یا نه. من نگفتم که یک خدا یا یک بودا هستم. مردم معمولی می‌توانند مرا فقط یک فرد متوسط معمولی تلقی کنند، این خوب است. همه‌ی آن‌چه که من انجام می‌دهم شکل فعالیت بشری را به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا را نجات می‌دهم، از ابزار موجودات بشری ساده‌ی عادی استفاده می‌کنم. هیچ موجود سطح بالایی، هنگامی که مردم را در این محیط اجتماعی، در این بُعد توهم، نجات می‌دهد، از فقط نمایش‌های خدایی باشکوه استفاده نمی‌کند تا به‌طور معجزه‌آسایی مردم را در دنیای بشری نجات دهد. (تشیویق) اما این فرق می‌کند که اگر آن‌چه که انجام می‌دهد در یک مقیاس کوچک باشد، یا فقط تعداد کمی از افراد را دربر بگیرد، یا اگر چیزی بوده که در گذشته برای خلق فرهنگ انجام شده است. چیزها برای نوع انسان این‌گونه هستند. البته، با این وجود، هیچ چیزی مطلق نیست. شاید هنگامی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند من از ابزار خدایی استفاده کنم، چراکه در آن زمان ممکن است لازم باشد کارها بدان طریق انجام شوند. اما اگر حول و حوش آغاز اصلاح-فای کیهان کارها این‌جا در جامعه با استفاده از ابزار خدایی در مقیاس وسیعی انجام می‌شدند، باعث وابستگی‌هایی در سمت تزکیه‌کنندگان می‌شد.

برخی از مردم فکر می‌کنند، "خدایان توانایی‌های زیادی دارند. چرا آن‌ها مردم بیچاره را نجات نمی‌دهند و افراد بد را مجازات نمی‌کنند؟ چرا نمی‌آیند و دست به معجزه نمی‌زنند؟" شکل‌گیری سه‌قلمرو، هدف و شیوه‌ی هستی جامعه‌ی بشری را بنا نهاد. این اجتماعی آکنده از توهم است، و درنظر گرفته شد تا اجتماعی باشد که موجودات ذی‌شعور نتوانند همه‌ی حقیقت را ببینند. هر کسی که می‌خواهد که این‌جا تزکیه کند باید این کار را در میان وهم و خیال انجام دهد، و فرد خوبی باشد، با استفاده از شیوه‌های انسانی کارهای خوبی انجام دهد، و وابستگی‌ها را رها کند. فقط پس از آن، می‌توانند از این‌جا رهایی یابند، و فقط پس از آن این می‌تواند تزکیه نامیده شود. اگر فردی کارهایی را این‌جا با استفاده‌ی تمام و کمال از ابزار خدایی انجام دهد، این تزکیه نیست. در تاریخ بسیاری از تزکیه‌کنندگان دائو، اعمال خدایی در دنیای انسانی انجام

دادند، و آن فرهنگ تاریخی را به وجود می‌آورد. چرا این موضوع در دوره‌های اخیر نادر شده است؟ زیرا هرچه به زمانی که دافا قرار بود اشاعه یابد نزدیک‌تر می‌شد، چنین چیزهایی کمتر مجاز بودند اتفاق بیفتند. در دوره‌های اخیر، پس از این که اصلاح- فا آغاز شد و مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا تزکیه را آغاز کردند، الزامات و نیازمندی‌ها بالاتر شدند. به‌ویژه، هنگامی که این گروه موجودات کیهانی شروع به اعتباربخشی به فا کردند و به‌سوی کمال حرکت کردند، محیط این‌جا حتی بیشتر اهمیت پیدا کرد، بنابراین قوانین حتی بیشتر جدی شد و به‌ندرت به مردم اجازه داده می‌شود که وضعیت حقیقی را ببینند. این دسته از موجودات قرار است تا سطوح بالایی تزکیه کنند، بنابراین مطابق با آن، الزامات و نیازمندی‌ها برای آن‌ها بالا است. این گروه از موجودات مسئولیت‌های تاریخی عظیمی را بر دوش می‌کشند و باید از محیطی توان‌فرسا بیرون بیایند. (تشویق) بنابراین این دلیل آن است که چرا مریدان دافا خارق‌العاده هستند.

به عبارت دیگر موقعیت تزکیه‌ای که مریدان دافای امروز در آن هستند از هر روش یا موقعیت تزکیه در تاریخ متفاوت است. من همیشه گفته‌ام که شرکت نیروهای کهن شکلی از آزار و شکنجه و شکلی از اختلال است. اگر آن‌چه که خدایان در گذشته نجات دادند روح‌های کمکی مردم بود و نه بدن اصلی حقیقی آن‌ها، پس درباره‌ی این بیندیشید، آیا آن روش نجات مردم برای تزکیه‌ی مریدان دافای امروز عملی می‌بود؟ بدن اصلی مریدان دافا، و همین‌طور بدن مردم دنیا، در [لایه‌ی] سطحی است. بنابراین آیا آن‌چه که آن‌ها انجام دادند درخور و مناسب است؟ آیا این عملی می‌بود؟ ابدأً عملی نمی‌بود. بنابراین بدین دلیل است که می‌گویم آن‌ها درحال ایجاد اختلال هستند. این شیوه و شکل تزکیه که به همه گفته‌ام امروز انجام دهند این‌طور است که درحالی که با اجتماع مردم عادی خودشان را وفق می‌دهند تزکیه کنند و تا بالاترین حد امکان با استفاده از ابزار بشر عادی به دافا اعتبار ببخشند (تشویق)، و این بی‌سابقه است. آن خدایان، آن‌ها در رابطه با این که با چنین روش تزکیه‌ای چه رفتاری داشته باشند هیچ چیز نمی‌دانند، و آن‌چه که انجام داده‌اند کاملاً خارج از مسیر بوده است، بنابراین آن‌ها به‌طور قطع شکلی از مداخله با تزکیه‌ی مریدان دافا به حساب می‌آیند. این‌طور نیست که بگوییم آن‌ها فاقد توانایی هستند، فقط می‌شود گفت که کیهان قدیم چنین موجوداتی را این‌گونه خلق کرد، و این نهایت خرد کیهان قدیم است. در طی این اصلاح- فا کیهان نقایص گذشته را کامل کرده است و چیزهایی را که کیهان قدیم در تغییر دادن آن‌ها با شکست مواجه شد، تغییر داده است. بدان دلیل، مریدان دافا می‌توانند نجات یابند و می‌توانند از طریق تزکیه به کمال برسند. اگر رویکرد تزکیه‌ی گذشته امروز پیروی می‌شد، حتی یک مرید دافا هم نمی‌توانست تا کمال تزکیه کند.

فقط وقتی یک فرد از شیوه‌ای که دافا امروز برای به انجام رساندن کارها، تزکیه کردن و به‌طور حقیقی نجات دادن مردم استفاده می‌کند دنباله‌روی کند، می‌تواند به کمال برسد. (تشویق) و این فقط کمال نیست- فرد حقیقتاً نجات می‌یابد، روح اصلی فرد نجات می‌یابد. (تشویق) درخصوص آن به اصطلاح خدایانی که با اصلاح- فا تداخل می‌کنند، آن‌ها فقط بخشی از آن‌را می‌دانند، ولی نه همه‌ی آن‌را، آن‌ها فقط درباره‌ی گذشته می‌دانند، ولی نه درباره‌ی امروز یا آینده، و فقط از شکل ظاهری آگاه هستند، ولی نه محتوای درونی. وقتی سعی می‌کنند کارهایی را انجام دهند، توانایی انجام آن‌را ندارند، و مداخلات جدی‌ای را برای خود اصلاح- فا و تزکیه‌ی مریدان دافا به بار آورده‌اند. این دلیل آن است که چرا می‌گویم هر کاری که من امروز انجام می‌دهم کاملاً از آن‌چه در گذشته در تاریخ اتفاق افتاد متفاوت است. با نگاهی به آزار و اذیت مریدان دافا و مسیحیان در تاریخ، در ظاهر هر دو مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند. اما برای این

تزکیه‌کنندگان، موجوداتی در راه خدا شدن‌شان، آن‌چه که در واقع اتفاق می‌افتد، متفاوت است. آن‌ها به‌طور جدی مجبور بودند تحمل کنند زیرا در گذشته کیهان توانایی حل آن موضوعات ریشه‌دار عمیق تاریخی را نداشت، باعث می‌شد حتی موجودات سطح بالا، خدایان و همین‌طور موجودات انسانی که در مسیرشان به سوی خدا شدن بودند را شکنجه کنند. همه‌ی این‌ها هم برای تاریخ کیهان و هم برای قسمتی از خدایان شرم‌آور است. امروز آن‌چه در حال انجام آن هستم فقط با مسیری که آن‌ها در گذشته طی کردند متفاوت نیست؛ این تفاوتی است بین آینده و گذشته. این راهی است که تزکیه‌ی روش دافا به مردم اهدا کرده است؛ مریدان دافا و من در حال پایه‌گذاری بنیانی برای آینده هستیم. روش‌های تزکیه در آینده برای همیشه شبیه این خواهند بود! (تشویق) فقط این می‌تواند به‌طور حقیقی نجات دادن مردم نامیده شود، و فقط این به‌طور واقعی می‌تواند مردم را نجات دهد.

هیچ یک از این چیزها نمی‌تواند به‌دلخواه تغییر یابد. همه می‌دانند که اکنون دوره‌ی اصلاح-فا است- کیهان در حال دوباره نو شدن، دوباره ساخته شدن، و دوباره خلق شدن است. فقط تحت این شرایط، نقایص می‌توانند مرمت شوند، و تنها زمانی که نواقص می‌توانند ترمیم شوند، زمانی است که افلاک غول‌آسا در حال دوباره ساخته شدن باشند. بنابراین این یک فرصت است. هیچ موجودی مجاز به مداخله با این فرصت یا صدمه زدن به آن نیست. هر کسی که اختلال ایجاد می‌کند در حال ارتکاب گناه است، و هر کسی که مداخله می‌کند مجبور است بار مسئولیت آن اختلال را تحمل کند.

آن‌چه اکنون گفتم خلاصه‌ای از تفاوت مابین روش تزکیه‌ی مریدان دافای امروز و تزکیه‌ی مردم در گذشته بود. اگر فردی می‌خواهد نجات یابد، باید از واقعیتی که در آن است و تجربه کردن محیطی سخت که در آن ناملایمات، منافع شخصی، احساسات و علایق وجود دارند ارتقاء یابد. هر چیزی علایق شخصی یک تزکیه‌کننده را دربر می‌گیرد و هر چیزی می‌تواند شما را به‌عنوان یک فرد، افکار و احساسات شما را، شین‌شینگ شما را و هر چیزی را که در درون به آن وابسته هستید تحت تأثیر قرار دهد. اگر اداره کنید که راه خاصی را برگزینید و انتخاب‌های ویژه‌ای داشته باشید، پس خارق‌العاده هستید. در غیر این‌صورت، شما یک فرد عادی هستید. اگر قادر باشید از استدلال و وابستگی‌های مردم عادی پا را فراتر بگذارید شما یک خدا هستید. (تشویق) این کاملاً از روش‌های تزکیه در گذشته متفاوت است.

مردم در گذشته به معابد و صومعه‌ها یا به میان کوه‌ها برای تزکیه می‌رفتند درحالی که از مردم دنیا کناره‌گیری می‌کردند. این افراد به‌طور فیزیکی از آزمایش‌های شین‌شینگ زیادی رنج نمی‌بردند یا وابستگی‌هایشان را به‌طور مستقیم با خود یدک می‌کشیدند، و آزمایش مستقیمی در ارتباط با چیزهای مادی نداشتند. بنابراین برای بدن اصلی فرد مثل این است که گویی تزکیه نمی‌کرد. اگرچه فرد در طول زندگی‌اش یک زندگی معمولی را رها کرد، برای این فرد این کار چیزی بیش از برگزیدن یک سبک زندگی متفاوت نبود. اگر روح کمکی او واقعاً در تزکیه موفق می‌شد و یک روح کمکی که از بدن او بیرون می‌آمده یک خدا می‌شد، پس آن برای او فقط به منزله‌ی برکت و نعمت بود. آن فرد در زندگی آینده‌اش برکت و نعمت دریافت می‌کرد. منظور از "برکت و نعمت" این است که او نعمت‌های دنیایی می‌داشت نه چیزی بیشتر از آن. با نگاه به آن از زاویه‌ی موجودی که از طریق تزکیه به‌دنبال چیزی است، چه کسی تزکیه می‌کرد تا آن چیزها را به‌دست آورد. اگر در سطحی بنیادین صحبت کنیم، هیچ چیزی در سه‌قلمرو برای آن خلق نشد، و هیچ موجود ذی‌شعوری برای آن نیامد. پس به عبارت دیگر، تزکیه‌ی مریدان دافای امروز

باشکوه‌ترین است و نور افشاندن به یک ردپا برای آینده می‌باشد. این دلیل آن است که چرا به‌خوبی پیمودن مسیرتان مهم‌ترین است. (تشویق)

همیشه گفته‌ام که مریدان دافا نمی‌توانند به افراط و تفریط بروند. شما باید مسیرتان را به‌خوبی بیمایید. اگر بگذارید تصورات تان سرکش شوند، و امروز درباره‌ی چیزی درک منحرف‌شده‌ای داشته باشید و فردا الهامی ناگهانی داشته باشید و کارهای دیگری انجام دهید، یا درحالی که توسط وابستگی خودنمایی هدایت می‌شوید به انجام کارهای احمقانه ادامه دهید، تمام آن چیزها انعکاس مستقیمی از روح اصلی شما و شما به‌عنوان یک موجود زنده هستند. چنین فردی چگونه می‌تواند به کمال برسد؟ اعمال شما بدن اصلی شما را که درحال تزکیه است نشان می‌دهد، و این آن بدن اصلی است که قرار است نجات داده شود. آیا چنین موجودی می‌تواند در بین خدایان قرار گیرد؟ نه نمی‌تواند. بنابراین شما باید کارها را به‌خوبی انجام دهید و به‌طور منطقی و با خوش‌فکری و افکار درست تزکیه کنید. و شما مجازید درحالی که تا حداکثر امکان با شیوه‌ی زندگی مردم عادی مطابق باشید تزکیه کنید. تا زمانی که استاد می‌گوید کاری درست است، می‌توانید بروید و در انجام آن از روش مردم عادی پیروی کنید، زیرا برای تان درنظر گرفته شده است که مسیرتان را بدین طریق بیمایید، و نجات بدین شیوه برای موجودات انسانی مد نظر است. در آینده اگر خدایی بخواهد بیاید و مردم را نجات دهد، او نیز بدین طریق عمل خواهد کرد. زیرا در کیهان آینده، وقتی نجات مردم مطرح می‌شود، هدف نجات بدن اصلی مردم است. بنابراین در ارتباط با این که روش‌های تزکیه در گذشته و شکل‌های ایمان و اعتقاد چگونه بودند نگران نباشید، در ارتباط با اینکه چگونه مؤثر بودند نگران نباشید- شما تنها کسانی هستید که به‌طور حقیقی تزکیه کرده‌اند. (تشویق) کیهان درحال گذر از اصلاح- فاست، و خدایانی که به آن‌ها اعتقاد دارند درحال دوباره مشخص کردن موقعیت خودشان هستند، بنابراین برای نجات یافتن کجا می‌روند؟ چگونه می‌توانند به قلمروی آسمانی دست‌یابند؟ قلمروهای آسمانی تماماً درحال دوباره ساخته شدن هستند. به کدام قلمرو آسمانی خواهند رفت؟ شما باشکوه‌ترین موجودات هستید و درحالی که حقیقتاً موجودات ذی‌شعور را به شیوه‌ای صادقانه، آشکار و اعجاب‌انگیزی نجات می‌دهید به‌سوی قلمروهای آسمانی گام برمی‌دارید! (تشویق)

آن‌چه را اکنون بیان کردم برای مریدان دافا درنظر گرفته شده است. آن عده از شما که تزکیه‌کننده نیستید یا شاگردان جدید هستید ممکن است کاملاً آن‌چه را گفتم درک نکنید و باور کردن آن برای تان سخت باشد. نگران نباشید، من این‌جا نیستم تا به کسی آسیب برسانم و این‌جا هیچ چیز که برای مردم بد باشد وجود ندارد. اگر آن‌را درک نمی‌کنید، به‌تدریج می‌توانید آن‌را بفهمید، و این خوب است که بیایید و به‌طور فزاینده‌ای این تزکیه‌کنندگان را درک کنید.

یک موضوع پایانی است که می‌خواهم تأکید کنم. تعداد کمی از شاگردان معقول و آگاه نیستند و وابستگی‌های بسیار قوی دارند! آن‌ها می‌توانند کمی بشنوند و کمی ببینند، و حتی احساس می‌کنند که توانایی‌های ویژه‌ای دارند یا فکر می‌کنند شخصیت بسیار مهمی هستند. بنابراین شروع کرده‌اند غیرمنطقی و به‌ظاهر عجیب و غریب رفتار کنند، و چیزهایی می‌گویند که قابل درک نیست. چگونه هنوز می‌توانید تزکیه کنید؟ مهم نیست شما چه کسی هستید، اگر من نتوانم شما را نجات دهم، شبحی در جهنم خواهید بود! چرا شما به این حد غیرمنطقی می‌شوید؟ چرا چیزهایی را بین شاگردان پخش می‌کنید که در تزکیه و اعتباربخشی‌شان به‌فا اختلال ایجاد می‌کند؟ آیا این صرفاً موضوع پرورش اهریمنان در ذهن خودتان است؟

شما در حال تداخل با دافا هستید. آیا این گناه کوچکی است؟ اگر امروز من، لی هنگجی، تصمیم بگیرم که شما را به عنوان یک مرید دافا شناسم، به عنوان یک شاگرد خودم شناسم، آیا فکر می کنید که بتوانید این جا بمانید؟ سه قلمرو به این منظور ایجاد شد. اگرچه این افلاک در کیهان عظیم هستند، همه‌ی موجودات در حال متمرکز کردن توجه شان به این جا هستند، و همه‌ی موجودات این جا، باید به رسمیت شناخته شوند. بنابراین من هنوز به آن شاگردانی که غیرمنطقی هستند سخت توصیه می کنم: سرعقل بیایید و برای زندگی خودتان احساس مسئولیت کنید. وابستگی های شما موجودات پلید را از بیرون هدایت کرده است تا به شما فرمان بدهند، با شما اختلال ایجاد کنند، و شما را کنترل کنند و باعث شوند که این قدر غیرمنطقی شوید.

کلمات استاد هم اکنون نسبتاً شدید بودند. ممکن است متوجه شده باشید که اخیراً، گاهی اوقات کلمات من برای چنین شاگردانی کاملاً شدید بوده است. زیرا عواقب هولناکی را که در انتظارشان هست دیده ام. مهم نیست که آن جملات را چگونه می پذیرید، مهم نیست مردمی که مرا و مریدان دافا را نمی فهمند موضوعات را چگونه می بینند، من، لی هنگجی، برای همه‌ی موجودات آمدم. در حال نجات همه‌ی موجودات هستم، و نمی خواهم ببینم که حتی یک موجود خودش را نابود کند، زیرا من دقیقاً برای شما آمدم! (تشویق) من نگرانم. درباره‌ی شما نگرانم. زمان بیشتر و بیشتر در حال فشرده شدن است. شما این را دیده اید، و موقعیت کلی بسیار دگرگون شده است. اگر آزار و شکنجه به ناگهان پایان یابد، دیگر هیچ شانس باقی نمی ماند، و هر چیزی تصمیم گیری خواهد شد.

از زمانی که در یکی از کنفرانس های شما شرکت کردم مدت زیادی گذشته است، بنابراین می خواهم زمان بیشتری با شما باشم. (تشویق پرشور)

شنیده ام که شاگردان زیادی از روسیه آمده اند و افراد دیگری از برخی کشورهای اروپای شرقی وجود دارند. برای آن ها بسیار سخت بود که به این جا بیایند، چراکه با کشمکش های زیادی مواجهند، چه از نظر مادی و غیره. همچنین بسیاری شاگردان جدید هستند که هرگز مرا شخصاً ندیده اند و همیشه خواسته اند که استاد را ببینند. و تعدادی شاگردان با تجربه نیز مدت زمانی طولانی است که استاد را ندیده اند. به نظر می آید که همه‌ی شما چیزهای زیادی برای گفتن دارید، و دلشکسته می شوید اگر من حالا اینجا را ترک کنم. (استاد می خندد) (تشویق) بدین دلیل، بگذارید هنوز از روش قدیمی استفاده کنیم - اگر چیزی برای گفتن دارید، روی یک قطعه کاغذ نوشته و بالا بفرستید، و من برای همه‌ی شما سؤالات را پاسخ خواهم داد.

شما همگی سخت کار کرده اید. هوا سردتر می شود. در طی تابستان وقتی که در مقابل کنسول گری ها، در خیابان ها یا برنامه های دیگر حقیقت را آشکار می کردید و به فا اعتبار می بخشیدید، اگرچه هوا بسیار گرم بود، اما قابل تحمل بود. وقتی هوا سرد می شود، آب و هوا درجات خاصی از دشواری را برای شما ایجاد می کند. با این وجود شما اجازه نمی دهید که وضعیت دشوار شما را متوقف کند. کاملاً برعکس، هنوز به سختی کار می کنید و متوقف نکرده اید. این حقیقتاً اعجاب انگیز است، و موجودات آینده و مردم دنیا در آینده از شما قدردانی خواهند کرد، زیرا مردمی که در آینده این جا می مانند این حقیقت را به شما مدیون خواهند بود. (تشویق) مردم دنیا در تصور باطل به سر می برند. مریدان دافا کسانی هستند که از میان به اصطلاح آزمون ها گذر می کنند، در حالی که همه‌ی موجودات در حالتی از توهم و سرگردانی گم می شوند. اما در آینده، هر کسی خواهد دانست که مریدان دافا چه کسانی بودند. آن ها همه عظمت مریدان دافا را

خواهند فهمید، و آنهایی که باقی می‌مانند نسبت به مریدان دافا احساسی حاکی از قدردانی خواهند داشت.